



عکس: سناژ صفائی شهرآرا

«گفت و گو با بانو زهرا عباس پور، مؤسس تشکل «مهربانو»
که گروه هدفش زنان سرپرست خانوار و دختران نوجوان آنهاست

بهبود سلامت روان با کمک مهربانوان

شهرآرا

شهر بانو

۸ صفحه ویژه بانوان مشهد | شماره ۳۵۵۹ | روزنامه شهرآرا

۱۴۰۰ ۰۹ ۲۹ | شنبه ۲

یلدای
خاطره انگیز؛
پابه پای
شور زندگی

«زن و خانواده»؛
سرفصل راهبردی
در مدیریت شهری
مشهد



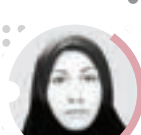
سید حسن سیدی
تحلیلگر مسائل شهری

(آفاق)

«زن و خانواده»: سرفصل راهبردی در مدیریت شهری مشهد

با توجه به گستردگی، پیچیدگی و درهم‌تنیدگی مسائل شهری، هر روز با شکل جدیدی از معضلات و مشکلات در حوزه مدیریت شهری روبه‌رو هستیم! توفیق نیافتن رویکردهای کنونی در حل ریشه‌ای مسائل شهری، معطل ماندن ظرفیت‌های بالقوه فراوان در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و از سویی تأکید ویژه رهبر معظم انقلاب بر بازسازی انقلابی در همه لایه‌های مدیریتی، ضرورت تأمل و بازنگری در این رویکردها و ارتقای ساختار مدیریت شهری را در طراز گام دوم انقلاب صدچندان می‌نماید.

سیاست‌گذاری‌ها حاصل نوع نگاه و تعریفی است که از بافت شهر و عناصر تشکیل‌دهنده آن ارائه می‌شود. از منظر دینی و بومی و براساس سیاست‌های ابلاغی نظام، نهاد خانواده، سلول بنیادین اجتماع و پیکره شهری است. از سویی دیگر، مسئله زن یا توجه به نقش محوری و بی‌بدیلش در نهاد خانواده، از یکدیگر جدا نیستند و لازم و ملزوم هم‌اند. بدین ترتیب، باید گفت پیشرفت و شکوفایی شهر در گرو سرزندگی، نشاط و سلامت نهاد خانواده و سلامت و سرزندگی نهاد خانواده در گرو شکوفایی، طراوت و بالندگی وجود زن است. حقیقت پیشرفت‌های ظاهری زنان بر ویرانه‌های نهاد خانواده در غرب، کاشتن همان بادی است که فصل درو کردن طوفان آن فرا رسیده و طبق فرمایش رهبر معظم انقلاب، به‌زودی تمدن پوشالینش را مانند کشتی تایتانیک غرق خواهد کرد! انقلاب اسلامی به این انحطاط تاریخی طولانی در این زمینه پایان داد و با بهره‌گیری از ظرفیت بی‌بدیل بانوان، پیشرفت‌های خیره‌کننده‌ای در عرصه‌های گوناگون برای ایران اسلامی رقم زد. رهبر معظم انقلاب در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی: «مسئله زن و خانواده برای کشور، جزو مسائل درجه یک است. نقش و سهم بانوان در نظام، یک نقش فوق‌العاده و ممتاز است هم‌چنان که در اصل انقلاب اسلامی، نقش بانوان ممتاز بود. اول کسی که این نقش را فهمید، امام بزرگوار ما بود.» اما اکنون با ورود انقلاب اسلامی به دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی با انبوهی از کارهای بر زمین مانده در حوزه زن و خانواده مواجهیم که تحولی دیگر را در این عرصه، ناظر به اهداف ترسیم‌شده در بیانیه گام دوم انقلاب می‌طلبد. ایجاد آسایش، آرامش و امنیت روانی و اخلاقی در سنگر خانواده برای امکان حضور بانشاط بانوان در اجتماع، سنگین کردن کفه عدالت در تقسیم امکانات شهری، رفع خلأهای قانونی مربوط به حقوق زنان، اصلاح سیاست‌های خانواده‌گریز، تغییر عادات و رسوم سنتی مردسالارانه و... تنها برخی از این کارهای بر زمین مانده است. لذا با اطمینان کامل می‌توان گفت موضوع زن و خانواده در حکم زیربنا و جوهره همه ارکان و لایه‌های نظام برنامه‌ریزی شهری از سند چشم‌انداز بیست‌ساله تا برنامه‌های میان‌مدت عملیاتی است و تشکیل «کمیسیون بانوان و خانواده» در جهت دهی به همه مصوبات شورای اسلامی شهر و تصمیم‌های مدیران ستادی و اجرایی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. خوشبختانه طرح تشکیل «کمیسیون بانوان و خانواده» هفته گذشته در جلسه علنی شورای اسلامی شهر اعلام وصول شد. امید است با تصویب این طرح راهبردی با قید فوریت در جلسه آینده شورا، شاهد حرکتی تحول‌آفرین در عرصه مدیریت شهری باشیم.



شب‌نم کرمی
روزنامه‌نگار

(پرتو)

جایگاه زنان ایرانی در حفظ و بهبود سنت‌ها

میراث فرهنگی مادی است. اما نقش زنان در حفظ و ارتقای سنت‌ها یا همان میراث فرهنگی ناملوس کشورها پررنگ و انکارنشدنی است. سنت‌های بسیاری چون «لالایی‌ها»، «ترانه‌های کودکان»، «بازی‌های کلامی کودکان»، «قصه‌گویی‌ها»، «آواهای کار زنانه»، «آیین‌های زنانه»، «آداب و رسوم زنانه»، «بازی‌های زنانه»، «گردهمایی‌های زنانه»، «درمانگری‌های زنانه» و «فنون و مهارت‌های سنتی منجر به ساخت صنایع دستی زنانه» از مواردی هستند که فرهنگ و سنین ملی را به واسطه مادران، به فرزندان منتقل کرده‌اند. در مجموع، بخش چشمگیری از تجلیات میراث فرهنگی ناملوس، از اساس، زنانه است و عمدتاً در بستر خانواده شکل می‌گیرد. لازمه بقای سنت‌ها انتقال آن از نسلی به نسل دیگر است که در طبیعی‌ترین شکل، حاصل آموزشی سینه‌به‌سینه یا شفاهی است. بر این مبنا، یکی از مهم‌ترین حوزه‌های آموزش سنت‌ها، حتی در مردانه‌ترین اشکال آن، را باید در اجتماع زنان جست‌وجو کرد. نخستین ارتباطات انسانی در رابطه میان مادر و فرزند شکل می‌گیرد و همین ارتباطات هستند که عمیق‌ترین تأثیرات را در شخصیت فرهنگی انسان‌ها و برداشت آن‌ها از هویت فرهنگی‌شان باقی می‌گذارند. جدا از میراث‌های فرهنگی ناملوس زنانه که بیشتر روال‌ها و امور آن از سوی زنان سازمان‌دهی و اجرا می‌شود، بسیاری از عناصر مشترک و حتی مردانه را نیز زنان برنامه‌ریزی و مدیریت می‌کنند. چنان‌که تجربه همه ما از کودکی تا کنون - که خود مادر شده‌ایم- این حقیقت را اثبات می‌کند.

هم‌چنین حضور فرزندان گرد وجود والدین در مناسبت‌های مختلف، بیشتر با دعوت یا برنامه‌ریزی مادران انجام می‌گیرد. چنان‌که جز بخش هزینه‌کرد که معمولاً برعهده پدران است، سایر امور از نوع و اقلام خرید، چیدمان، نوع خوراکی‌ها، آشپزی، تعیین ساعت و مکان اجرای برنامه‌ها و بسیاری امور دیگر در اجرای سنت‌ها را زنان برعهده دارند. این موضوع از نقش پررنگ زنان در شکل‌گیری و تدوین فرهنگ‌ها حکایت می‌کند. از این رو، با توجه به جایگاه پراهمیت زنان در خانواده، به‌عنوان احیاگران اصلی میراث فرهنگی ناملوس و هم‌چنین نقش بی‌بدیل آن‌ها در توسعه پایدار، می‌طلبید برنامه‌ریزان فرهنگی از اهمیت این نقش در اصلاح سبک زندگی جوامع و نقش بانوان در هم‌افزایی فرهنگی غافل نشوند.

«خانجون» همان‌طور که مشغول خیساندن نخود و لوبیای آش شب‌چله بود با لبخندی شیرین با خود فکر می‌کرد امسال بچه‌ها را با چه هدیه‌ای غافل‌گیر کند! با خودش مرور کرد: انار دانه‌شده و برش‌های سرخ‌هندوانه، آجیل شیرین، برگه میوه‌های خشک، تخمه و ذرت بوداده، برش‌های لبوی پخته، شیرینی‌های ریز نخودی و از همه مهم‌تر دیوان حافظ.

مبادا چیزی از قلم افتاده باشد! سفره قلمکارش را روی کرسی قدیمی پهن کرد و سینی بزرگ مسی کنگره‌دارش را روی آن گذاشت تا بساط شب‌چله و دورهمی بلندترین شب سال را بر آن بچیند. از نظر خانجون خیلی اهمیت داشت که بچه‌ها و نوه‌هایش این رسم و رسوم را یاد بگیرند و به نسل‌های پس از خود منتقل کنند.

با قوت می‌توانیم بگوییم خانجون‌های زندگی همه ما بساط شب‌های چله و نوروز و مراسمی از این دست را هر سال برایمان با رنگ و لعابی سنتی و گرم و خاطره‌انگیز پهن می‌کنند و به واسطه وجود ارزشمندشان بارها در چنین مراسمی، لذتی دوجندان را در کنار بزرگ‌ترها تجربه کرده‌ایم.

سنت‌ها و آداب و رسوم مربوط به آن‌ها یا همان «میراث فرهنگی ناملوس» به جنبه‌های غیرفیزیکی یک فرهنگ گفته می‌شود. به عبارت دیگر، این موارد شامل بخشی از فرهنگ ماست که به شکل شفاهی و سینه‌به‌سینه به ارث می‌رسند.

این موارد شامل ارزش‌های اجتماعی، سنت‌ها، آداب و رسوم و روش‌ها، باورهای زیبایی‌شناسانه و معنوی، بیان هنری، زبان و دیگر جنبه‌های کارکردهای انسانی است.

همه آثار به‌جای‌مانده از فرهنگ‌های مختلف، معرف اندیشه و فرهنگ معنوی حاکم بر آن جوامع است. در حقیقت، معنویات بشر به صورت آثار مادی، فرهنگی و تاریخی تجلی می‌یابد و جنبه ملموس میراث معنوی را ایجاد می‌کند. میراث فرهنگی حقیقت فرهنگی هر ملت است و رکن اساسی آن به شمار می‌رود که در واقع همان جوهر یا اصل فرهنگ هر قوم را تشکیل می‌دهد. این موارد فرهنگی از سوی سازمان ملل متحد «گنجینه‌های بشری» نامیده شده‌اند. توجه به میراث معنوی از این نظر اهمیت دارد که می‌تواند در برابر یکسان‌سازی فرهنگی در جهان مقاومت و از هویت فرهنگی کشورها حفاظت کند. البته باید توجه کنیم که حفظ میراث معنوی دشوارتر از حفظ



شهربانو

۲۹ آذر ۱۴۰۰
شماره ۲۵۵

(۲)

هنر زنانه بر چهره شهر

از بانوان هنرمند

در زیباسازی فضاهای شهری استفاده شود



سمانه سلطانی
کارشناس ارشد شهرسازی



عکس: ژنلی است

با اینکه هر سال مردم در اسفندماه به فکر تغییر و زیباسازی خانه‌هایشان می‌افتند، مدیریت شهری از اواخر پاییز چند سالی است که با انتشار فراخوان و درخواست همکاری از هنرمندان، می‌کوشد شهر را زیباتر کند.

یکی از مهم‌ترین و چشمگیرترین این اقدامات طراحی و جانمایی المان‌های محیطی در فضاهای عمومی شهر است، المان‌هایی که ارزش‌های آیینی و سنتی را به نمایش می‌گذارند یا خاطرات گذشته را زنده می‌کنند.

گرچه شهرداری مشهد به عنوان شهرداری‌ای پیشرو در مباحث زیباسازی شهری عملکرد مثبتی به لحاظ جنبه‌های زیباشناسانه داشته است، بررسی‌ها نشان می‌دهد طراحی و جانمایی المان‌های محیطی در سطح شهر ضعف‌های بسیاری دارد. یکی از مهم‌ترین این ضعف‌ها تناسب نداشتن المان‌های جانمایی شده با هویت منحصر به فرد شهر مشهد است زیرا وقتی می‌توان از المان‌های شهر مشهد در شهرهای دیگر ایران استفاده کرد، پس در این زمینه تفاوتی میان سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اقدامات زیباسازی در پایتخت معنوی ایران و دیگر شهرها قائل نشده‌ایم. ضعف مهم دیگر بهره نرفتن از مشارکت شهروندان شهر مشهد در طراحی و مکان‌گزینی این المان‌هاست. از این رو، مباحث معنایی المان‌ها و پیام‌هایی که این المان‌ها منتقل می‌کنند به میزان لازم مورد توجه قرار نگرفته‌اند. اگر به شهر مشهد از ۲ زاویه نگاه کنیم، از یک طرف با شهری با عنوان شهری زیارتی روبرو هستیم که در چشم‌انداز خود با عنوان «پایتخت جهان اسلام» مطرح شده است و از زاویه دیگر شهری داریم

با ساکنانی با علایق و هویت فرهنگی خاص خود. موضوع زیباسازی شهر مشهد تاکنون بیشتر در مقیاس شهری مطرح و از جنبه محلی آن غفلت شده است. اگر زیباسازی شهر در مقیاس محلی نیز مطرح شود، می‌توان امیدوار بود که در نهایت محلاتی با هویت محلی بیشتر و زیبایی بصری کامل‌تری داشته باشیم.

امسال نیز مدیریت شهری شهر مشهد در نظر دارد با ارائه طرح‌هایی به استقبال از بهار برود. یکی از سیاست‌های مهم شورای شهر استفاده از نظرات و مشارکت مردمی برای بهبود کیفیت سیما و منظر شهر است. با توجه به ظرفیت گسترده فرهنگ‌سراها و شورای اجتماعی محلات در جذب شهروندان دغدغه‌مند می‌توان از این ظرفیت بهره جست.

در راستای بهره‌گیری از مشارکت محلی برای زیباسازی، با توجه به دقت نظر و دید جامع و کل‌نگری که برای زیباسازی شهری، لازم است اگر از مشارکت بانوان دغدغه‌مند، متخصص و هنرمند در این زمینه استفاده شود بسیار رهگشا خواهد بود. در واقع شرایط باید به گونه‌ای باشد که زنان احساس کنند شهرشان خانه بزرگ‌تر آن‌هاست و همان‌طور که با نزدیک شدن به سال نو، خانه و کاشانه خود را زیبا می‌کنند، می‌توانند از ذوق و هنر سرشار خود برای زیباسازی فضای شهری نیز بهره بگیرند. در این راستا می‌توان از ظرفیت شوراهای اجتماعی محلات و فرهنگ‌سراها استفاده کرد و در هر محله، بانوان هنرمند، متخصص و دغدغه‌مند را در پروژه زیباسازی محلی به یاری طلبید. اگر زنان در پروژه‌های زیباسازی شهری وارد شوند، قطعاً شاهد شهری شاداب‌تر و سرزنده‌تر خواهیم بود.

شیفته فرمانده همچون سرباز

روایتی از مرحومه نیره سادات نواب احتشام رضوی، همسر شهید نواب صفوی

تقو

اذیت شدم، اما دیگر کعبه عشق من مزار شهید نواب بود. آن قدر صورتم را روی قبر می‌گذاشتم و گریه می‌کردم که خاک زیر صورتم گل می‌شد.»

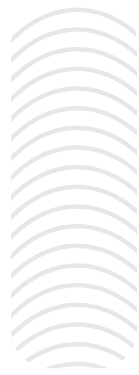
روز یکی از فدائیان اسلام دنبال می‌آمد و در تاریکی شب به ملاقات همسر می‌رفتم. حتی یک بار هم اعتراضی نکردم. علاقه‌ام به همسر آن قدر زیاد بود که حاضر بودم خودم و بچه‌هایم را تیرباران کنند، اما این شخصیت مؤثر برای جهان اسلام زنده بماند.»

احتشام رضوی هر روز بیش از روز قبل متوجه می‌شد که همسرش از هیچ کس ذره‌ای ترسی ندارد و تنها از خدا می‌ترسد. می‌دانست که همسرش، در مقابل هر حکومت و قدرتی که بخواهد بی‌دینی کند، با مقاومت می‌ایستد. در نهایت، شهید نواب صفوی پس از تحمل سال‌ها زندان به اعدام محکوم می‌شود و در آخرین روز زندگی‌اش، تنها ۱۵ دقیقه به او و خانواده‌اش اجازه ملاقات می‌دهند. «زمانی که خبر شهادت نواب را شنیدم، می‌خواستم فریاد بزنم. مانند شخصیتی دیوانه بودم و خدا می‌داند روزم چطور شب شد. آن روز احساس می‌کردم هرکجا را نگاه می‌کنم ظلمات است و چشمانم انگار هیچ‌جا را نمی‌دید. یک لحظه به خودم آمدم. رسالت بزرگ نواب را یاد کردم و به خودم گفتم باید قوی باشی زیرا شهید نواب از آدم‌های ترسو و بزدل بدش می‌آمد. بعد از شهادت نواب خیلی

بانو احتشام رضوی هرکجا لازم بود این را بر زبان می‌آورد که شیفته شهید نواب بوده است، نه مانند همسری که همسرش را دوست دارد، بلکه مانند سربازی که مطیع فرمانده است و نمی‌خواهد کوچک‌ترین آسیبی به او برسد. پدر او از رهبران انقلاب زمان رضاخان بود که در سال ۱۳۱۴ در مشهد علیه رضاخان قیام کردند و حتی به فرمان پدرش، در مسجد گوهرشاد ۵ هزار کلاه پهلوی پاره شد. احتشام رضوی از چهارده سالگی عروس خانه نواب صفوی می‌شود. همسرش، سیدمجتبی میرلوحی، معروف به نواب صفوی، طلبه و بنیان‌گذار جمعیت فدائیان اسلام بود. قصه آشنایی‌شان این بود که شهید نواب صفوی آوازه مردی را که مقابل رضاخان قیام کرده بود می‌شنود و برحسب اتفاق، دیدار این ۲ نفر ممکن می‌شود. بعد از آشنایی، شهید نواب صفوی برای خواستگاری پا پیش می‌گذارد.

زندگی‌شان خیلی ساده شروع می‌شود به طوری که در اوج جوانی، موضوعاتی را که برای یک تازه‌عروس لذت‌بخش بود کوچک و بی‌ارزش می‌دانست. «۸ سال با شهید نواب زندگی کردم و در این مدت در تهران مخفی بودم. هر ۲





شهربانو

۲۹ آذر ۱۴۰۰
شماره ۱۴۴۲

(۴)



عکس: سانا زصفانی | شهرآرا

گفت‌وگو با بانو زهرا عباس‌پور، مؤسس تشکل «مهربانو»
که گروه هدفش زنان سرپرست خانوار و دختران نوجوان آن‌هاست

بهبود سلامت روان با کمک مهربانوان

براساس آمارها در کشور حدود ۷ میلیون حاشیه‌نشین داریم که سهم مشهد از این آمار بیش از یک میلیون نفر است. این موضوع به مرور به یک معضل تبدیل شده است که رفع آن نیازمند همکاری و همراهی همه دستگاه‌هاست. در این میان، گروه‌های مردمی خودجوش پای کار آمده‌اند تا باری را که روی زمین مانده است بردارند و طبیعی است که حمایت دولت از این گروه‌ها و مشارکت این تشکل‌ها در کنار یکدیگر، اوضاع بسامانی برای حاشیه شهر رقم می‌زند. تشکل مهربانوی یک سالی است در حاشیه شهر مشهد فعالیت دارد و به قشری توجه می‌کند که در میان سیل کمک‌ها مغفول می‌ماند. زنان سرپرست خانوار و دختران نوجوان آن‌ها نوک پیکان کمک‌های این تشکل هستند، کسانی که اگر به مشکلاتشان توجه نشود، ممکن است آسیب‌های ناشی از آن، دامن‌گیر جامعه شود. ۲۲ بانو به صورت جهادی کار را در این تشکل دست گرفته‌اند و در مسیر بهبود سلامت روان این قشر می‌کوشند. آن‌ها معتقدند گاهی حتی یک صحبت می‌تواند معجزه کند.



سعیده آل ابراهیم

گوش افراد بیشتری برساند.

✚ جرعه مهربانو از کمپ اجباری ترک اعتیاد

می‌شود گفت زمانی جرعه شروع به کار تشکل مهربانو به ذهنش می‌رسد که گذرش به تنها کمپ ترک اعتیاد اجباری بانوان در مشهد می‌افتد و دختران نوجوان، جوان و زنانی را می‌بیند که مشقت اعتیاد آن‌ها را می‌چاله کرده است. دختری را می‌بیند که برادرانش نمی‌گذارند سهمی از ارث خانوادگی‌شان ببرد و برای رهایی از زندگی بی‌سروسامانش به سمت اعتیاد کشیده می‌شود یا زنی که توسط همسر مصرف‌کننده‌اش رها می‌شود و در نبود تکیه‌گاه، به اشتباه اعتیاد را پناه می‌بیند. رضایپور به این نتیجه می‌رسد که با انجام برخی مشاوره‌های حقوقی یا خانوادگی، می‌توان سد راه اعتیاد، مشکلات دیگر و در نهایت نابودی زندگی این زنان شد.

او معتقد است ۴ سالی می‌شود به صورت تخصصی در حوزه زنان ورود پیدا کرده است،

پژوهش انجام می‌دهد و یادداشت‌های مرتبط می‌نویسد. براساس این تحقیقات به حوزه‌هایی می‌رسد که آمار آن در مشهد زیاد است مانند زنان سرپرست خانوار که اگر نیازمندی‌هایشان رفع و مشکلاتشان حل نشود، در آینده شاهد آسیب‌های اجتماعی می‌شویم. «طبق آمار سرشماری سال ۹۵، تعداد زنان سرپرست خانوار در مشهد رتبه دوم را داشته است. خیلی به این موضوع فکر می‌کردم که اگر آمارها این میزان را نشان می‌دهد، پس در واقعیت اوضاع چگونه است. با این افکار درگیر بودم که یک نفر حرف خوبی به من زد. گفت مسائل زنان با پشت‌میزنشینی حل نمی‌شود و باید به کف میدان رفت. به همین دلیل، به صورت میدانی به حاشیه شهر رفتم و در نهایت، تشکل مهربانو را به راه‌انداختن و از ظرفیت‌های موجود استفاده کردم.»

✚ کمک به محرومان فقط بسته معیشتی نیست
او بر این باور است که متأسفانه افراد فکر

زهرا عباس‌پور اهل رفسنجان است و پس از ازدواج به مشهد کوچ می‌کند. حالا ۱۶ سال می‌شود که ساکن مشهد است. کارشناسی ارشد تاریخ تشیع خوانده است و اکنون در حال تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد مطالعات زنان است. از همان ابتدا نیز به حوزه زنان علاقه‌مند بود. به همین دلیل، ابتدا فعالیتش را از انجمن اسلامی دانش‌آموزان شروع می‌کند و پس از آن با فعالیت در مؤسسه حیات طیبه و جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی پا به عرصه فعالیت‌های اجتماعی می‌گذارد. متولد سال ۶۰ است، اما آن‌قدر در حوزه زنان علاوه بر مطالعه، پژوهش میدانی کرده است که حرف‌هایش نشان از پختگی دارد و زیر و بم مشکلات زنان سرپرست خانوار حاشیه شهر را می‌داند. حتی به نکاتی نیز که شاید از دید ما پنهان مانده است توجه می‌کند. مشتاق کار و پیگیر حل مشکلات این زنان و خانواده‌هایشان است. همین اشتیاق و پیگیری او را پای‌میز مصاحبه‌کشانده است تا درد این مردم را به

می کنند مددکاری و کمک به مردم محروم این است که به آن ها بسته معیشتی بدهند، در صورتی که او به یقین رسیده است که مردم در حاشیه شهر بیش از اینکه مشکل معیشتی داشته باشند، دچار مشکل سلامت روان هستند. «متأسفانه این خانواده ها مهارت تصمیم گیری لازم را ندارند و عزت نفس پایینی دارند. آن ها نمی دانند مسئله هایشان را چطور حل کنند. هدفمان در مهربانو این بوده است و هست که دید این افراد را به سختی های زندگی تغییر بدهیم. ابتدا درس نامه هایی تنظیم کردیم که بدانی چه برنامه ای برای زنان سرپرست خانوار و فرزندان شان در نظر بگیریم.»

عباس پور اولین بار خودش تنها این کار را شروع می کند و به مرور به ۲، ۵ و حالا ۲۲ نفر رسیده اند، ۲۲ بانویی که همگی از روان شناس گرفته تا وکیل و ... به صورت جهادی کار می کنند. شماره تلفن اعضای این گروه در اختیار گروه هدفشان قرار دارد تا هر زمانی که نیاز است مشکلاتشان را تلفنی به آن ها بگویند و راهنمایی بگیرند. «نیازمندی ها خیلی زیاد اما نیروهایمان کم اند. هرروز تلفنی با مددجویان در ارتباط هستیم و گاهی مکالمه های تلفنی یک ساعته نیز با آن ها دارم. در شبکه های مجازی نیز با زنان و دختران نوجوان این خانواده ها در ارتباط هستم و برای بعضی از مشکلاتی که حاد است، حضوری گفت وگو می کنیم.»

✚ کمبود محبت در دختران نوجوان حاشیه شهر

او به همراه همکاران دیگر خود در تشکل مهربانو براساس مشکلات و نیازمندی ها، مدلی ترسیم می کند برای دختران نوجوانی که سایه پدر بالای سرشان نیست و از محبت پدرانه بی بهره اند. «این دختران در لبه پرتگاهی قرار دارند که در نبود پدر، مادر بیشتر اوقات مشغول کار است و توجه کاملی به این بچه ها نمی شود. در نتیجه، نیازمند مربی تربیتی برای این دختران بودیم. مورد بعدی نیاز به مشاوره فردی و خانوادگی هم چنین مشاوره حقوقی بود. بیشتر دختران نوجوانی که در جلسات ما شرکت می کردند، از رفتار و صحبت هایشان متوجه می شدیم که با زبان بی زبانی به ما می گویند: «هیچ کس ما را دوست ندارد، اما شما با ما دوست باشید!» وقتی آن ها را در آغوش می گرفتیم، دوست نداشتند از آغوشمان بیرون بروند. همه این ها نشانه کمبود محبت بود.»

مشاهدات عباس پور در حاشیه شهر حاکی از این است که در برخی مناطق دخترانی در شانزده سالگی یا یکی دو سال بالاتر و

پایین تر، در حال انجام کارهای مربوط به طلاقشان

هستند. «موردی داشتیم که دختر متولد سال

۸۷ و عقد کرده بود. همسرش شکاک بود.

به همین دلیل، اجازه نداده بود این دختر

در شبکه های اجتماعی حضور داشته

باشد. حتی زمانی که بین صحبت،

همسرش با او تماس گرفت، رنگ دختر

مانند زردچوبه شده بود زیرا از شوهرش

می ترسید. جدا از این موارد، او هیچ

درکی از ازدواج و مفهوم آن نداشت.

متأسفانه از نظر قانونی هم در این

زمینه مشکلاتی وجود دارد. از یک طرف،

گفته می شود منعی برای ازدواج دختران

کم سن و سال وجود ندارد. از طرف دیگر، اگر

بخواهد برای مهریه اش اقدام کند، می گویند باید

حکم کفالت بیاید.»

او و همکارانش جلساتشان را در مساجد می گذارند و در مورد مفاهیم مختلفی با زنان و دختران صحبت می کنند. عباس پور به یاد دارد که موضوع یکی از جلسات در مورد صبوری بود و یکی از زنانی که در آن جمع حضور داشت، ادعا می کرد که خیلی صبور است زیرا فرزندش را از ظهر به حمام می برد و چندین ساعت به شست وشوی او می پردازد. این زن تصور اشتباهی از صبوری داشت، در صورتی که دچار وسواس شدیدی بود. «خانمی در میان مخاطبان ما بود که همسرش بر اثر تصادف، دچار حیات نباتی شده بود. به همین دلیل، او و پسر سیزده ساله اش کار می کردند تا خرج خانه را درآورند. البته بیشتر سعی می کرد خودش کار کند تا فرزندش درس بخواند. این خانم در مسیری که از جاده توس به سمت جاده سیمان می رفت، تصادف می کند و استخوان پایش از ۸ جا می شکند. بارها عمل کرده بود، اما پایش خوب نشده بود و از سر اجبار، با همان پا سر کار می رفت، اما به دلیل حجم مشکلات، در برزخ اعتیاد گیر افتاده بود. زمانی که درد زیاد می شود، فرد به دنبال مسکن می رود.

باید دست چنین افرادی عزت مندانه گرفته شود، نه با بسته معیشتی.»

هر زن یا دختری که در جلسات مهربانو شرکت می کند، می داند که پایان جلسه ۲۰ دقیقه وقت برای هر نفر هست که هر چه دل تنگش می خواهد بگوید. «یک مرتبه دختر نوجوان پانزده ساله ای جلو آمد و هنگام صحبت گریه می کرد. دست بردارش بر اثر رسم تیر هوایی در یک عروسی، دچار آسیب شده بود. پس از آن دچار افسردگی شده و در نهایت به زندگی اش پایان داده بود. در همان گیر و دار، از میان اقوام، خواستگاری برای این دختر پیدا می شود. مادر به دلیل شرایط مخالفت می کند، اما اجازه

می دهد دخترش مدتی پیش آن خانواده بماند. این دختر وابستگی شدیدی به برادرش داشت و متأسفانه در نبود این حمایت عاطفی، به پسر آن خانواده وابسته شده بود و بارها دچار آسیب می شود. متأسفانه پس از این اتفاقات، دختر به شدت دچار آسیب روحی و روانی شده بود و حتی به فرار از خانه اقدام کرده بود. پدر و مادر نیز در برابر درمان او مقاومت می کردند. در نهایت، حالا این دختر در بهزیستی نگهداری می شود.»

✚ لزوم حذف تعصب مجموعه ای در حاشیه شهر

عباس پور و هم گروهی هایش یک سال است که این کار را شروع کرده اند، اما با بانوانی که ۱۰ سال است در این منطقه کار کرده اند در ارتباط هستند تا شناخت بهتری از منطقه داشته باشند. او باور دارد مجموعه های مردمی تکلیف حقوقی و قانونی ندارند و تنها به این دلیل که کاری روی زمین مانده است به کمک آمده اند. «ساختارهای دولتی می خواهند تنها خودشان به حاشیه شهر ورود کنند. این امر اشتباه است، در صورتی که باید تشکل ها و کانون های مردمی را حمایت کنند. البته متأسفانه از طرف دیگر، تعصب مجموعه ای نیز برای کسانی که در حاشیه شهر کار می کنند وجود دارد که می خواهند همه چیز به نام خودشان تمام شود و این موضوع مشکل ساز است.»

او با توجه به نتایجی که از ارتباط با خانواده ها در حاشیه شهر به دست آورده، به این نتیجه رسیده است که در حوزه زنان بدسرپرست مشکلاتی وجود دارد که رفع آن ها به راحتی امکان پذیر نیست زیرا در قانون مشخص نشده است. «زنی را می شناختم که همسرش پس از ترک اعتیاد، به مصرف قرص با دوز بالا روی آورده بود. همین امر به توهمات شدیدی در او منجر شد که تحمل زندگی را برای این زن دشوار کرده بود. ضمن اینکه آن ها ۳ بچه، سه ساله، پنج ساله و هشت ساله داشتند و مرد خانواده نه تنها خودش سر کار نمی رفت بلکه مانع از اشتغال همسرش می شد. این خانواده خیلی از شب ها و روزها چیزی برای خوردن نداشتند و گهگاه از همسایه ها مواد غذایی می گرفتند. به این دلیل که مرد خانواده حضور داشت، نهادها دخالت نمی کردند تا سرانجام از سوی معاون دادستان حکم جلب مرد صادر شد.»

✚ لازمه مددکاری مادری کردن است

او بر این باور است که لازمه مددکاری، مادری و

خواهری کردن برای این آدم هاست. آن ها

ابتدا کار را مختص زنان سرپرست خانوار

شروع کردند، اما به مرور خانواده های

آسیب پذیر نیز به جمع آن ها اضافه

شدند. این گروه از همان ابتدا هدفش

کمک مالی نبود زیرا محوریت حوزه

کاری آن ها در حوزه مسائل روحی

و روانی است، اما در مواقع ضرور

که مشکلی برای این خانواده ها به

وجود می آید، خودشان پول روی

هم می گذارند تا رفع شود. «اوایل

اطلاعیه ای در فضای مجازی منتشر

کردیم و خواستیم که اگر افراد می خواهند،

به صورت داوطلبی به ما کمک کنند. تقریباً همه

نیروهایمان شغل رسمی دارند. با وجود این، برای کار

داوطلبی شان وقت می گذارند.»

او هر زمان که به حاشیه شهر می رود و در جریان مشکلات خانواده ها قرار می گیرد، در راه برگشت، چشم هایش پر از اشک است و گاهی خیابان های اطراف خانه شان را چند بار دور می زند تا کمی حالش بهتر شود بعد به خانه برود، اما بازهم خسته نمی شود و هر بار علاقه و دغدغه ای که دارد او را پای کار می کشاند. «با اینکه با اتفاقات منفی و تلخی روبه رو می شوم، یاد گرفته ام غم های کوچک بی ارزش اند و نباید فکرم را درگیر آن ها کنم. اکنون مسائل اجتماعی زیاد شده اند، اما احساس می کنم بانوان امروز به مسائل حاشیه ای بیشتر اهمیت می دهند. اگر دنیا را از دریچه دیگری به آن ها نشان دهیم، زندگی شان تغییر می کند و زمانی که متوجه غم بزرگ شوند، غم های کوچک را از یاد می برند.»

✚ فعالیت اجتماعی در کنار مادرانگی

او مادر ۴ دختر است که بزرگ ترین آن ها کلاس دهم و کوچک ترین شان پنج ساله است. در همه این سال ها، فعالیت اجتماعی را در کنار مادرانگی حفظ می کند و به نسبت شرایطی که در طول این سال ها داشته است، تنها مدل و زمان فعالیت ها را تغییر داده است. «ویژگی خوب خانواده های دارای چند فرزند این است که همه می دانند وظیفه ای برای انجام دادن دارند. همسر و خانواده ام من را حمایت می کنند. حتی همسرم در کارهای خانه کمک می کند و تاکنون از من گله ای نکرده است. زمانی که یک زن می خواهد در اجتماع کار کند، اگر حمایت همسرش را نداشته باشد، از یک جا به بعد کار را رها می کند.»



شهربانو

آشنیه
۲۹ آذر ۱۴۰۰
شماره ۳۵۵

(۵)



یلدای خاطره انگیز؛ پایه پای شور زندگی



دکتر علی نژاد
دکتری
جامعه‌شناسی

جمعی از بانوان پرشور و هیجان در باره تدارک برای شب‌نشینی یلدا صحبت می‌کردند. از قیمت‌های سرسام‌آور اقلام خوراکی می‌گفتند و درباره لطیفه‌هایی که برای یلدای ۱۴۰۰ ساخته شده است حرف می‌زدند. مثلاً هندوانه‌ای را که ۲۵۰ هزار تومان قیمت گرفته باشد نباید خورد بلکه باید روبان زد و صدر مجلس نشانند! در میان مصاحبت آنان که در فکر چگونگی برنامه‌ریزی هزینه‌ها بودند که بتوانند شب یلدایی آبرومندی برگزار کنند، حجمی از شادی کوچک برای دیدن همه اعضای خانواده و انرژی گرفتن از دیدار یاد دغدغه قیمت‌های استخوان‌سوز در هم آمیخته بود. شوق و اضطرابی درهم تنیده که نشان می‌داد زنان به عنوان محور درونی خانواده بر خود واجب می‌دانند حتماً برنامه‌ریزی هر چند کوچکی برای کنار هم آوردن عزیزانشان داشته باشند.

دوران‌های مختلف باقی بماند و خودش را به عصر ارتباطات برساند، عصری که زندگی در آن مدرن و پیچیده و دشوارتر از همیشه است و انسان‌ها به واسطه پیچیدگی‌های متنوع زندگی، در مقایسه با گذشته، نیاز بیشتری به شادی و تعلق داشتن احساس می‌کنند، به کانونی که بدانند در همه‌همه زندگی شغلی و دشواری‌های روزمره، مکانی برای حوزه خصوصی‌ترشان خواهد بود، حوزه‌ای خصوصی که کارکردش ایجاد پناهگاهی امن برای کسب آرامش و بازبایی انرژی از دست‌رفته روز است. برپایی این جشن حول محور والدین و با مرکزیت خانواده، مهم‌ترین دستاورد رسم جشن گرفتن آخرین شب پاییز است. در دنیای مدرن امروز که مشغله‌های روزمره و تأمین معیشت در بحران اقتصادی فزاینده فرصت دیدار را از اعضای خانواده‌های مستقل شده از خانه پدری کاهش داده یا سلب کرده است، یلدا رسمی تقویت‌کننده برای داشتن احساس تعلق است. فرصت دور هم جمع شدن همه اعضای

پاسدار نماد محافظت بی‌قید و شرط از عشق و خانواده باشید

در طول زمان و تغییرات اجتماعی تنها آداب و رسومی می‌توانند دوام بیاورند و به نسل‌های بعدی منتقل شوند که در دوره‌های جدید نیز کارآمد باشند. زنانی که در تکاپوی تدارک یلدا بودند البته شاید ندانند آنچه آنان ایجاد شادی و دمی فراغت از تلخی‌های زندگی قلمداد می‌کنند و درمان دردهای بی‌درمانشان می‌دانند در واقع یک نیاز اجتماعی دیرینه است که جامعه برای بقای خود از طریق حفظ کانون‌های خانوادگی در طول زمان ایجاد کرده است. رسم شب یلدا یکی از رسم‌های کهن فرهنگ جامعه ایرانی است که با محوریت خانواده شکل گرفته و کارکرد آن در زمان ایجادش حفظ و تضمین بقای کانون خانواده بوده است، به دلیل اینکه احساس شادمانی و احساس تعلق داشتن به جمع صمیمی و نزدیک و برای خود، نیاز همیشگی انسان به عنوان موجودی اجتماعی است. این رسم توانست در طول

خانواده، حس تعلق داشتن به گروه خانوادگی، و ایجاد پناهگاهی برای احساس خودارزشمندی در قالب فضایی که در مقایسه با دشواری‌های جامعه، نقطه امن‌تری به نظر می‌رسد، از مواردی هستند که افراد یک جامعه متلاطم را به سوی نگهداشت این رسم در میان شلوغی‌های زندگی‌های پیچیده‌شان سوق می‌دهند. از اصول اساسی این رسم این است که همه کوچک‌ترها به خانه پدری بروند و مراسم را در منزل بزرگ‌تر خانواده برگزار کنند یا حضور والدین از واجبات دورهمی باشد و به گونه‌ای خانواده و خویشاوندان را گرد هم آورد. اگرچه مصرف‌گرایی و گسترش نفوذ تشریفات به درون رسم یلدا برگزاری آن را با مخاطرات اقتصادی و دغدغه‌مندی‌های ذهنی تأمین هزینه‌های شب یلدا همراه کرده است، حتی دشواری‌های اقتصادی هم نتوانسته است این رسم را حذف کند زیرا هم‌چنان کانون خانواده را نزدیک‌ترین پناهگاه برای خود می‌دانند.

گرمای خانواده یخ‌بندان تاریکی‌ها را ذوب می‌کند

شب تاریک است و تاریکی هراس‌انگیز. یلدا طولانی‌ترین شب سال است و تاریکی در این شب دوام بیشتری دارد. در فرهنگ ایرانی، خانواده در بلندترین تاریکی سال، اعضای‌اش را به خود می‌خواند و این پیام را به آن‌ها می‌دهد که ما با دور هم جمع شدن و حفظ وحدت خود، حتی بر بلندترین تاریکی نیز مسلط می‌شویم. احتمالاً شما نیز آهنگ خاطره‌انگیز یلدایی را که با اقبال عمومی روبه‌رو شد شنیده‌اید، آهنگی با محوریت عشق که می‌گوید: تو شب یلدای منی. سرایش نغمه‌های عاشقانه و سنت حافظ‌خوانی در

شب‌نشینی یلدا نیز بر اهمیت تداوم عشق در کانون خانواده دلالت دارند زیرا شعر حافظ در قالب غزل سروده شده است و این قالب شعری یک قالب عاشقانه در ستایش عشق است. علاوه بر آن، سنت یلدایی گرفتن برای دخترانی که به تازگی «بله» را گفته‌اند و در آستانه تشکیل یک خانواده جدید برای خود هستند، در دل رسم گردهمایی خانوادگی در شب یلدا، مهر تأییدی دیگر بر اهمیت داشتن کانون خانواده در فرهنگی ایران است. برای عروس تازه‌وارد خانواده یلدایی می‌برند تا با تقدیم هدیه و شادباش، تشکیل زندگی جدید را ارج نهند. چنین درهم‌تنیدگی بخشیدن به مراسم شب یلدا در فرهنگ ایرانی یادآور این نکته است که استقلال یافتن فرزندان از خانه پدری مورد تأیید و احترام است و منافاتی با حفظ و احترام جایگاه والدین ندارد، گونه‌ای از پذیرش متقابل ۲ نسل والدین و فرزندان. بقای این رسم سنتی در جامعه مدرن در کارآمد بودن برای رفع نیاز شادمانی و احساس تعلق داشتن و نیاز به حامی در دنیای پیچیده‌ای ریشه دارد که از بزرگ‌ترین دستاوردهایش افزایش تنهایی فلسفی برای بشر است. یلدا می‌گوید: شما تنها نیستید. یک خانواده دارید که با وجود همه تضادها و تناقض‌ها و فراز و نشیب‌ها در میزان حمایت و مهرورزی به شما هم‌چنان می‌تواند مکانی برای تجدید انرژی‌تان باشد. همین است که عمده برنامه‌ریزی‌های برگزاری‌های حتی ساده یک شب‌نشینی کوچک یلدایی را نیز مادران و زنان خانواده بر عهده می‌گیرند، مادران و زنان به عنوان عنصری مرکزی، متصل‌کننده و ترمیم‌کننده روابط درونی افراد خانواده با یکدیگر.



زنان مقتدر مسلمان در تاریخ ایرانیان

تنهاترین سردار زن

در سال ۱۲۵۳ شمسی دختری در چهارمحال و بختیاری به نام «مریم» زاده شد. پدرش حسینقلی خان ایلخانی نام داشت که ۳۰ سال حاکم ایل بختیاری بود. خاندان بختیاری در اواخر حکومت قاجار سمت‌های گوناگونی داشتند. حسینقلی خان ۶ پسر و ۱۲ دختر داشت و تحصیل فرزندان به‌ویژه دختران برایش مهم بود و بدین گونه راه تحصیل را برای مریم باز گذاشت. مریم باسواد شد و از روشن‌فکران زمان خویش شد. مذهبش تشیع بود. ۲ برادر او به نام‌های علی‌قلی و نجف‌قلی الگوواره مریم در فنون نظامی شدند و این چنین او همچون ۲ برادر خویش فنون نظامی و هدایت لشکر را از پدر آموخت. چون هوای انقلاب مشروطه سراسر ایران عصر قاجار را پر کرد، مریم نیز به جمع خواستاران مشروطه پیوست. وی نامه‌های مختلف نوشت و برای سران ایل بختیاری فرستاد تا آنان را برای مشروطه‌خواهی و مبارزه با استبداد و استعمار زمان خویش دعوت کند، و در نهایت پیروز شد. در این عمل، یکی از رویدادهای مهم دوره مشروطه‌خواهی به نام فتح تهران به وقع پیوست. در این اتفاق تاریخی، هواداران مشروطه‌گیلانی و بختیاری در حرکتی برنامه‌ریزی شده در نزدیکی تهران به یکدیگر پیوستند. مریم که پیش‌تر همراه با عده‌ای وارد تهران شده بود و در منزل حسین ثقفی به سر می‌برد، به محض حمله نیروهای بختیاری به تهران، بر پشت‌بام خانه که مشرف به میدان بهارستان بود رفت و با همراهان خود با قزاق‌های طرفدار شاه قاجار مشغول نبرد شد. مریم تفنگ در دست شجاعانه با دشمن جنگید و توانست لقب سرداری را از جانب طرفدارانش دریافت کند. سرانجام این بانوی سردار و همراهانش ۲۵ تیر ۱۲۸۸ توانستند تهران را از کنترل محمدعلی شاه قاجار خارج کنند. منزل مریم مأوایی برای مشروطه‌خواهان شد. پس از آن، محمدعلی شاه از سلطنت خلع و با افتتاح مجلس شورای ملی دوم، استقرار حکومت سلطنت مشروطه پس از وقفه‌ای چندماهه از سر گرفته شد. مبارزات سردار مریم به آنجا ختم نشد بلکه در سال ۱۲۹۸ شمسی در قرارداد ۱۹۱۹ که ایران با بریتانیا بست و بر اساس آن همه امور کشوری و لشکری ایران زیر نظر مستشاران انگلیسی و با مجوز آنان صورت می‌گرفت، مریم و هوادارانش دوباره وارد میدان مبارزه شدند و در نهایت، این قرارداد هرگز اجرا نشد. از دیگر کارهای سردار مریم، این بانوی مبارز، می‌توان به مبارزات وی در جنگ جهانی اول اشاره کرد. بانو مریم از سرمایه‌مادی و معنوی خاندان خویش استفاده کرد و یک هنگ از سواران بختیاری را سازمان‌دهی کرد و از آن برای مبارزه با اشغالگران روس و انگلیس در زمان جنگ جهانی اول استفاده کرد. در کنار مریم، برادرانش چون اسفندیارخان، نجف‌قلی صمصام‌السلطنه، امیرقلی خان، علی‌قلی خان سردار اسعد، خسروخان سردار ظفر و یوسف‌خان مجاهد نیز برای ایران مبارزاتی انجام دادند که نامشان در تاریخ ایران جاودان شد. بانو مریم از پیش‌گامان مطالبات حقوق زنان در ایران بود. در کنار مردانگی، سردار مریم زنانگی خویش را حفظ کرد و فرزندی زاد به نام علی‌مردان خان که ۵ سال با رضاخان پهلوی مخالفت کرد، مبارزاتی علیه خاندان پهلوی انجام داد و در نهایت به دستور رضاشاه به جرم شورش در مقابل دولت مرکزی ایران اعدام شد. نام فرزند سردار مریم هنوز هم در میان بختیاری‌های زنده است و به وی لقب شیرعلی‌مردان داده‌اند. چون چوبه دار معراج روح فرزند شد، بانو مریم قدخم نکرد گرچه در دل داغ فرزند داشت. سرانجام ۳ سال بعد از مرگ فرزند، در سال ۱۳۱۶ شمسی دعوت حق را لبیک گفت. کالبد پاک سردار مریم، این بانوی مبارز، را در تکیه میرفندرسکی تخت فولاد اصفهان به خاک سپردند.



مریم مختاری
فعال فرهنگی



از مادر شدن نهراسید

کودک، قلب دوم مادر است که پیرامون مادر تا همیشه پر سه می‌زند

در عمیق‌ترین لایه‌های باور انسان‌ها، یک باور به‌شدت تکان دهنده وجود دارد که بسیار هیجان‌آور است. آن باور این است که اگر روزی فرا رسد که دیگر نوزادی زاده نشود، آیا آن روز، مرگ دنیا فرا می‌رسد؟ آیا خانواده‌ای وجود خواهد داشت؟ چه بلایی سر ارتباط‌های بین افراد خانواده، بین مادر و فرزندان و هم‌چنین پدر و فرزندان خواهد آمد؟ در واقع، تولد هر نوزاد نشانه این است که خالق هستی هنوز از اصلاح انسان‌های روی کره زمین ناامید نشده است و دنیا برای تولد یک عضو جدید آماده و مناسب است. اگر در اطراف شما، دوست یا فامیل، کودکی زاده شده است، خوشحال و شاد باشید و بدانید که هنوز امید به زندگی در خانه و محله و شهری که هستید موج می‌زند. گویی شما هم دوباره زاده می‌شوید و بار دیگر از نو آغاز می‌کنید.

اگر تصمیم گرفتید مادر شوید، هرگز برای مادر شدن نترسید و احساس درماندگی یا سرخورگی نکنید. زیادی نگران نباشید و فکر نکنید از عهده آن برنخواهید آمد یا اینکه فکر نکنید چون تجربه‌ای ندارید، از عهده کارهای کوچک و بزرگ بچه‌داری برنخواهید آمد. هرگز تصور نکنید با مادر شدن، خوشی‌های زندگی به پایان می‌رسد، همه آزادی‌ها و وقتتان را از دست خواهید داد و دائم باید به کارهای مربوط به کودک برسید و مشغول او باشید، نه! در عوض، تلاش کنید درباره دوران بارداری، مسائل مربوط به زایمان و مواردی از این دست آگاهی کافی پیدا کنید. در این صورت، فرضیه‌های منفی و ناراحت‌کننده و اضطراب‌آور درباره مادر شدن و بچه‌داری را از خودتان دور می‌کنید و از این نعمت و هدیه الهی لذت می‌برید.

مادر شدن به این معناست که یک زندگی جدید برای خود می‌سازید. شما به یک انسان زندگی می‌بخشید و با یاری پروردگار و همراهی عزیزانتان کودک را به دنیا می‌آورید، کسی که هیچ‌جای دنیا همانند او وجود نداشته است و نخواهد داشت. یک زندگی نو و پر از هیجان، تجربه، خنده، گریه، شادی و خستگی ولی امیدوارکننده آغاز خواهد شد که شما را با لذت مادر شدن روبه‌رو می‌کند. مطمئناً لحظه‌های آن خاطره‌هایی به‌یادماندنی برای خود، همسر و فرزندان خواهد ساخت.

به یاد داشته باشید با مادر شدن، اوقات شما فقط با تعویض پوشک و غذا دادن به کودک پر نمی‌شود، بلکه خنده‌ها و بامزگی‌های او جزو زمان‌هایی است که می‌توان از آن با عنوان بهترین و باارزش‌ترین لحظه‌های زندگی نام برد. البته طبیعی است که در دوران بارداری و پس از آن مشکلاتی هم وجود داشته باشد، اما مادر باید دنبال راه حل آن باشد. با مطالعه کتاب‌ها و مقاله‌های مربوط به مادر شدن، فرزندآوری و بچه‌داری و هم‌چنین مشورت با افراد متخصص در زمینه فرزندآوری و حتی بزرگ‌ترهای اطرافتان می‌توانید از پس مسائل بر بیایید.

در زندگی، عشق و محبت مادر به فرزند بسیار مهم جلوه می‌کند چون فرزندان برای بزرگ شدن و پرورش یافتن، به محبت و مهر مادر نیاز دارند. مادر مهم‌ترین شخص در زندگی است. البته باید بدانیم که مادر شدن نیازمند همراهی و حمایت همه‌جانبه همسرش است زیرا پدر خانواده هدایت روحی، روانی و جسمی مادر را هم در زمان بارداری و هم پس از به دنیا آمدن کودک، باید به عهده داشته باشد تا مادر با آرامش، تندرستی و دل شادی، چشمش به روی ماه کودکش روشن شود. پدر هم‌چنین در تربیت فرزند نقش کلیدی دارد و باید کودک را به سمت استقلال فردی و نقش اجتماعی مناسب هدایت کند.

پاسخ به پرسش‌های حقوقی بانوان

دهند. البته باید به طبقات ارث و سهم الارث هر وارث نیز دقت داشت.

+ زنی میان سال هستم که به شدت مورد ضرب و جرح همسر قرار گرفته‌ام و امکان حرکت و خروج از منزل را ندارم. چطور می‌توانم نامه پزشکی قانونی بگیرم؟

می‌توان با وکالت دادن به وکیل که هم‌اکنون به صورت الکترونیک انجام می‌شود و نیازی به حضور در دفتر ندارد، توسط وکیل برای گرفتن نامه از پزشکی قانونی تحت عنوان اجازه معاینه در منزل اقدام کرد. در این صورت، پزشک متخصص پزشکی قانونی برای معاینه به نشانی اعلام شده مراجعه و گواهی لازم را صادر می‌کند.

هستم. از سال ۸۰ بعد از فوت پدرم، از مادر، خواهر و برادرم مراقبت کردم. حالا فقط یک خواهر مجرد سی‌ونه‌ساله بدون هیچ سابقه بیمه و بازنشستگی دارم. امکان دارد ایشان را تحت تکفل قرار دهم طوری که بعد از من ایشان حقوق من را دریافت کنند؟

خواهر توسط خواهر تحت کفالت قرار نمی‌گیرد. در فرض سؤال، تنها در صورتی که مستمری پدر یا مادر برقرار باشد می‌تواند آن را دریافت کند و مستمری خواهر به ایشان تعلق نمی‌گیرد.

+ اگر مردی همسرش فوت شده باشد و دارای ۲ فرزند پسر باشد و ازدواج مجدد کرده باشد، آیا مهریه همسر اولش را باید به فرزندانش پرداخت کند؟

مهریه زن از جمله دیونی است که بر عهده و ذمه شوهر است. اگر زن در قید حیات نباشد، ورثه وی می‌توانند به نیابت از او مهریه را مطالبه کنند. در فرض سؤال، فرزندان به عنوان ورثه و فرد ذی نفع می‌توانند برای دریافت مهریه دادخواست

+ در این ستون به پرسش‌های حقوقی مخاطبان عزیز که با پیامک یا تلفن ثبت شده باشد پاسخ داده می‌شود. مخاطبان گرامی می‌توانند برای اطلاع بیشتر، با روابط عمومی شهرآرا با شماره ۳۷۲۸۸۸۸۱ تماس بگیرند یا به شماره ۳۰۰۷۲۸۹ پیام دهند.

+ اگر زن و شوهری از هم جدا شوند اما مدت «عده» تمام نشود و شوهر فوت کند، ارث شامل زن هم می‌شود؟

در سؤال به نوع طلاق اشاره نکرده‌اید. به صورت کلی، اگر طلاق از نوع طلاق رجعی بوده و فوت شوهر در زمان عده طلاق رخ داده باشد، زن می‌تواند از ارث شوهر بهره‌مند شود.

+ پدرم چندین سال است فوت شده است. مادرم حقوق بازنشستگی او را دریافت می‌کرد. اکنون مادرم فوت شده است و من، خودم، حقوق شوهر مرحوم را از بیمه تأمین اجتماعی دریافت می‌کنم. امکانش هست حقوق مادرم را هم از بیمه دریافت کنم؟

با توجه به فرض سؤال، امکان دریافت ۲ مستمری به طور هم‌زمان از ناحیه همسر و هریک از والدین وجود ندارد.

+ من خانمی چهل و هشت ساله و پرستار بازنشسته



زهرا شوشتری
کارشناس حقوق



شهربانو

شنبه
۲۹ آذر ۱۴۰۰
طاعتی‌اول ۱۴۴۲ شماره ۳۵۵۱

(۸)

شهرزاد

نگار موقر مقدم

فعال فرهنگی



ضمیمه روزنامه شهرآرا
صاحب امتیاز:
شهرداری مشهد
مدیرعامل
سیدمثم موسوی مهر
سرپرست:
ارژنگ حاتمی
مسئول ضمیمه
حمیده وحیدی

در ابتدای کتاب می‌خوانیم:

«یحیی دارد می‌میرد و این غریب‌ترین پارادوکس جهان است که توی زندگی‌ام باش رخ‌به‌رخ شده‌ام، غریب‌تر از همه پارادوکس‌های فیزیک مدرن که توی سال‌های دانشگاه یکی درمیان باورهایم را به بازی می‌گرفتند. مثل این است که یکی بگوید خورشید خاموش شده، که البته می‌شود، بالاخره یک روزی حتی خورشید هم خاموش می‌شود. اما یحیی که زنده می‌ماند، بمیرد؟! باورش مثل کلنجار رفتن زبان است با بادام تلخ. آدم نمی‌داند بادام بودنش را باور کند یا تلخی‌اش را.»

این پاراگراف کوتاه شروع کتابی است که قرار است باور زندگی و مرگ را به باور تجربیات فیزیکی و دنیاهای موازی ربط دهد و از این ربط و خبط، بتواند فلسفه جدیدی از حقیقت زندگی به انسان بفهماند، حقیقتی که الزام تلخ و گزنده است، اما فهمیدنش به ندانستن و درک نکردنش می‌ارزد.

صحرائی داستان «ستاره‌ها هم می‌میرند» دختری پرماجر است که برای رسیدن به جواب پرسش‌هایش به هر دری می‌زند و به همین راحتی‌ها نمی‌تواند حرفی را باور کند. او که معلم نجوم است، عاشق یحیی عکاس می‌شود و همین خودش ترکیبی موازی است برای گفتن از پارادوکس‌های داستانی که با خبر تولد اولین فرزندش، در عین باور به مرگ قریب الوقوع همسرش، آغاز می‌شود و برای پنهان کردن رازی درست در نقطه مقابل راز پیدا اما پنهان یحیی، در جنگ است.

علاوه بر این‌ها، شروع داستان در سفر تفریحی به کویر برای صید لحظه‌های ستاره‌شناسی آغاز می‌شود. از این رو می‌توان گفت نویسنده برای خلق داستانش، بهترین فضا سازی را انتخاب کرده است تا بتواند حرف اساسی‌اش را بزند و از «مرگ» بگوید، که در عین آنکه تلخ است، پر رمز و راز است. گفتن از این حقیقت، تنها با گفتن از تفاضل فاصله میان تاریخ تولد و مرگ انسان درک نمی‌شود، بلکه با محاسبه عمق زندگی او حساب می‌شود. به همین دلیل، فرجاد امین، به گذشته هر ۲ راوی گذر می‌کند تا مفاهیم بیشتری برای درک داستان بسازد.

«ستاره‌ها هم می‌میرند» داستانی است که در اوهام و واقعیت دست و پا می‌زند، زیرا گاهی در داستان، فرشته‌ای ظاهر می‌شود که وجودش برای خواننده هم دل‌پذیر است چه برسد به یحیی که همان‌طور که از نامش زندگی می‌بارد، از باورش ایمان به مرگ و نیستی در حین زندگی برداشت می‌شود.

نگاهی به کتاب «ستاره‌ها هم می‌میرند»

باور زندگی و مرگ

+ اگر کسی سرش درد می‌کند برای نجوم و ستاره‌شناسی و گشت‌وگذار در علم فیزیک و ارتباطش با دنیاهای موازی، بهترین انتخاب خواندن کتاب «ستاره‌ها هم می‌میرند» است که در قالب داستان، نویسنده با زبان پخته و روانش توانسته است پیچیده‌ترین مفاهیم را به زبان ساده بیان کند. کتاب «ستاره‌ها هم می‌میرند» دومین اثر نرگس فرجاد امین است، نویسنده جوانی که قلم جدی و پخته‌اش باعث شده است «صحرا و یحیی» داستانی خواندنی باشد، داستانی که از ۲ نگاه، ۲ راوی متفاوت، یحیی و صحرا، به درون هریک از شخصیت‌ها رجوع می‌کند. اما انتخاب راوی غیرهم‌جنس طبیعتاً کار ساده‌ای نیست. این هم که داستان، علاوه بر پرسش‌های زمانی، بین ۲ راوی، مدام رفت‌وآمد کند و در عین حال باورپذیر باشد، ساده نیست، داستان مرگ و زندگی ستاره‌هایی که در عین مردن و تمام شدن، دنیا را راهی روشن‌اند و به عمق زندگی فکر می‌کنند.

علاوه بر این موارد، گفتن از تجربیات مادرانگی راوی، در عین اینکه می‌داند همسرش به علت بیماری، ممکن است زنده نماند، اگرچه از شیرینی این تجربه کم می‌کند، به آن معنا می‌بخشد.



ستاره‌ها هم می‌میرند

• نویسنده: نرگس فرجاد امین